

## باغ صفا

سه تا پروانه

دو تا گل

یک زنبور

**قصه گو:** یک نفر

(باغی پر گل و زیبا و با درخت های سبز و بلند، نهر

آبی در وسط باغ در جریان است.)

**قصه گو:** دوستای خوبم! سلام! بزرگترای مهربون به

شما هم سلام می کنم.

امروز من و دوستانم می خواهیم یک نمایش واستون

اجرا کنیم، که امیدوارم خوشتون بیاد.

اسم نمایش ما هست «باغ صفا»

پروانه ها زیبان درسته؟ (با مکث) خب منم می خوام

در مورد چند تا پروانه ی زیبا و دوست داشتنی

واستون بگم که از مهربونی خیلی فاصله داشتند اما

توی یکی از روزهای خوب خدایه اتفاقی افتاد.

خودتون بینیند.

(پروانه ها با موسیقی و شادی وارد می شوند.)

شعر پروانه ها توپ سفیدم قشنگی و نازی

حالا من می خوام برم به بازی بازی چه خوبه با  
بچه های خوب، بازی می کنیم بایه دونه توپ. چون  
پرت می کنم توپ سفیدم از هر جا می پره میره تو  
هوا، قل قل می خوره، تو زمین ورزش، یک و دو و  
سه و چهار و پنج و شش.

**پروانه ۱:** وای چه روز قشنگی، من خیلی خوشحالم.  
**پروانه ۲:** آره منم خیلی خوشحالم (دست تکان  
می دهد) خورشید خانوم سلام.

**پروانه ۳:** بال های من خیلی زیباست، مگه نه؟  
**پروانه ۱:** آره تو واقعاً خوشگلی.

**پروانه ۲:** بله ما سه تا پروانه زیبا و خوش و آب و  
رنگیم (هر سه می خندند).

(زنبور و زوزکنان و بال زنان وارد می شود.)  
**زنبور:** اشما این جایین؟ می دونین چقد دنبالتون  
گشتم؟

**پروانه ۳:** واه واه واه بازم این زنبور مزاحم پیداش  
شد.

**زنبور:** با من بودی؟

**پروانه ۱:** خب معلومه! تو این جا چیکار می کنی؟

**پروانه ۲:** چرا ما هر جا که می ریم دنبالمون راه می افتی؟

**زنبور:** خ دلم می خواد باهاتون دوس شم.

**پروانه ۳:** نخیرم ما با تو دوس نمی شیم.

(چند گل خمیازه ای می کشند و متوجه پروانه ها و زنبور می شوند.)

**گل ۱:** این جا چه خبره؟

**گل ۲:** شما دارین با هم دعوا می کنید؟

**زنبور:** اینا با من دوس نمی شن.

**گل ۱:** چرا؟ مگه زنبور چیکار کرده؟

**پروانه ۳:** اون زشته. به درد نمی خوره.

**گل ۲:** شما اشتباه می کنید، زنبورها عسل درست

می کنند، اونا از شیره گل ها استفاده می کنند و بعد

یه چیز خوشمزه ای مثل عسل درست می کنن.

**پروانه ۱:** عوضش اصلاً زیبا نیست، مارو بین چقد

خوشگلیم؟

**پروانه ۲:** بیاین بریم. من دیگه اصلاً دوس ندارم

این جا بمونم!

**پروانه ۳:** باشه بریم. (سه پروانه خارج می شوند)

**پروانه ۲:** چرا ما هر جا که می‌ریم دنبالمون راه می‌افتی؟

**زنبور:** خ دلم می‌خواد باهاتون دوس شم.

**پروانه ۳:** نخیرم ما با تو دوس نمی‌شیم.

(چند گل خمیازه‌ای می‌کشند و متوجه پروانه‌ها و زنبور می‌شوند.)

**گل ۱:** این جا چه خبره؟

**گل ۲:** شما دارین با هم دعوا می‌کنید؟

**زنبور:** اینا با من دوس نمی‌شن.

**گل ۱:** چرا؟ مگه زنبور چیکار کرده؟

**پروانه ۳:** اون زشته. به درد نمی‌خوره.

**گل ۲:** شما اشتباه می‌کنید، زنبورها عسل درست

می‌کنند، اونا از شیره گل‌ها استفاده می‌کنند و بعد

یه چیز خوشمزه‌ای مثل عسل درست می‌کنن.

**پروانه ۱:** عوضش اصلاً زیبا نیست، مارو بین چقد

خوشگلیم؟

**پروانه ۲:** بیاین بریم. من دیگه اصلاً دوس ندارم

این جا بمونم!

**پروانه ۳:** باشه بریم. (سه پروانه خارج می‌شوند)

زنبور: کجا می رین؟ بذارید منم پیام. من می خواهم  
با شما دوست بشم.

گل ۱: غصه نخور دوست من!

گل ۲: آره راست می گم، ما دوستای تو هستیم.  
زنبور: واقعاً ممنونم.

(صدای کمک کمک پروانه ها از دور شنیده می شود!)

زنبور: چه خبره؟ انگار پروانه هان.

گل ۱: آره انگار کمک می خوان.

گل ۲: یعنی چی شده؟

(پروانه سراسیمه وارد صحنه می شود.)

پروانه ۱: کمک کمک کنین، چند تا بچه دنبالمون

راه افتادن می خوان مارو بگیرن و بال هامونو

بچینن.

پروانه ۲: حالا چیکار کنیم؟

پروانه ۳: من می ترسم. (گریه می کند.)

زنبور: نگران نباشین من کمکتون می کنم.

پروانه ۱: چه جوری؟ تو خیلی کوچیکی. (گریه

می کند.)

زنبور: یادتون رفته؟ من نیش دارم. نیش می زنم.

کسی حق نداره اذیتتون کنه.  
(سر و صدای بچه‌ها شنیده می‌شود.)  
**گل ۱:** وای زنبور طلایی تو چقد مهربونی!  
زنبور (وزوزکنان خارج می‌شود.)  
**گل‌ها:** (با همدیگه) موفق باشی زنبور طلایی.  
(صدای بچه‌ها از بیرون صحنه شنیده می‌شود.)  
(صدای بچه‌ها وای زنبور، آخ، وای، آی آی گوشم!  
گل‌ها و پروانه‌ها در صحنه شادی می‌کنند.)  
**بچه‌ها:** الفرار، وای چه زنبوریه.  
(زنبور وارد صحنه می‌شود.)  
**زنبور:** فراریشن دادم.  
**پروانه ۱:** زنبور طلایی ما رو ببخش.  
**پروانه ۲:** تو جون ما رو نجات دادی.  
**پروانه ۳:** ما ازت ممنونیم  
(گل‌ها می‌خندند.)  
**زنبور:** چه فایده شما که با من دوس نیستید.  
**پروانه‌ها با هم:** کی گفته؟  
**پروانه ۱:** از این به بعد تو دوست همه ما هستی.  
**پروانه ۲:** بچه‌ها جون شما هم پروانه‌های زیبا رو

اذیت نکنین و باهاشون دوست باشین.

پروانه ۳: بله درسته.

پروانه ۱: بیاین بریم با هم بازی کنیم من خیلی

خوشحالم.

(همه می خندند و شعر پایانی)

شعر پایانی

آی دوستای مهربون

دوستای شیرین زبون

باشین همیشه خندون

خنده روی لباتون

از بدی ها جدا شین

با خوبی هم صدا شین

آی دوستای با وفا

چقد هستین با صفا

قوی و با شهامت

باشین همه سلامت

قوی و با شهامت

باشین همه سلامت

باشین همه سلامت